

# ضرورت پیوستگی مدیریت دام و منابع طبیعی

اشاره:

نداشتن ملاک و معیاری صحیح برای بهره‌برداری از منابع طبیعی و همچنین تقسیم نادرست و غیراصولی وظائف میان واحدهای دولتی برای تصدی مسئولیت و اقدام به سرمایه‌گذاری و حفاظت از منابع طبیعی کشور (اعم از آب، خاک، جنگل و مرتع) از جمله علل عمده‌ای هستند که منجر به نوعی بهره‌برداری غیراقتصادی از منابع طبیعی شده است.

با ادامه روند گذشته، به اظهار بعضی از مطلعین، بیش از دو دهه نخواهد گذشت که کشور با بحران فقدان و از دست دادن منابع طبیعی و به تبع آن فعالیت‌های وابسته به آن مانند زراعت، دامپروری و... مواجه خواهد شد. اکنون که بحث تقسیم وظائف مربوط به مدیریت بنیان‌های کشاورزی در دولت و مجلس شورای اسلامی در جریان است، لازم به نظر می‌رسد که با پرهیز از شتاب‌زدگی و در کمال حوصله و دقت و با در نظر گرفتن جنبه‌های گوناگون اقتصادی، سیاسی و اجتماعی در سطح ملی و منطقه‌ای، امر تقسیم وظائف را به گونه‌ای سامان بخشیم که اولاً اشتباهات گذشته تکرار نشود و ثانیاً به پیشرفتی محسوس در زمینه بهینه‌کردن شیوه بهره‌برداری از ثروت‌های طبیعی کشورمان بینجامد.

مقاله‌ای در همین رابطه توسط برادران معاونت کشاورزی و امور دام وزارت جهاد سازندگی به مجله ارسال شده بود. این مقاله در پی آن است که نشان دهد «پیوستگی مدیریت دام و منابع طبیعی» گزینه‌ای است منطقی و ضروری که باید مورد توجه قرار گیرد.

آنچه در زیر می‌آید تلخیصی است از مطالب آن مقاله. انشاء... چاپ آن قدمی باشد هرچند کوچک در جهت تبادل هرچه بیش‌تر افکار و عقاید.

هر نوع تغییری که بخواهد در مدیریت دامداری و منابع طبیعی صورت پذیرد، ناگزیر از آن است که ۳ رکن مهم و اساسی منابع طبیعی، دام و دامداران را که از ارتباطی تنگاتنگ و پویا بین خود و سایر مسایل اقتصادی کشور برخوردار هستند، مورد توجه اکید قرار دهد. بنابراین، قبل از پرداختن به چرایی ضرورت‌های پیوستگی مدیریت دام و منابع طبیعی، لازم است نگاهی گذرا به تک‌تک موارد فوق داشته باشیم.

○ منابع طبیعی تأثیری دوگانه در اقتصاد کشور دارد. اولاً منطقه‌ای که زمینه‌های کسب درآمد و اشتغال حاصل از فعالیت‌های مختلف مانند ماهیگیری در استان‌های شمالی و جنوبی کشور، استحصال چوب و استفاده از فراورده‌ای مختلف جنگلی در شمال کشور، بهره‌برداری از مراتع جهت فعالیت دامپروری در اکثر مناطق کشور، جلوه‌هایی از این تأثیر به‌شمار می‌روند. ثانیاً وجود منابع طبیعی در سطح ملی نیز در سطوح مختلف و در بخش‌های مختلف اقتصاد کشور را تحت تأثیر قرار می‌دهد. به‌گونه‌ای که نه تنها بخش کشاورزی به درجات خیلی زیاد وابسته به منابع طبیعی است، بلکه بخش صنعت نیز از جنبه‌های مختلف از منابع طبیعی تأثیر می‌پذیرد.

یک بررسی مقدماتی روشن‌گر آن است که نظام اداری- اجرایی مربوط به منابع طبیعی نابسامانی‌هایی دارد که برخی از آنها از رژیم قبل به‌جای مانده است و تا امروز نیز همچنان ادامه یافته است. تعدد مراکز تصمیم‌گیری، فقدان

ارتباط میان دستگاه‌هایی که در امر بهره‌برداری از منابع طبیعی به نوعی مشارکت دارند، نبود برنامه جامع و قابل اجراء برای اصلاح و احیاء و بهره‌برداری صحیح از منابع طبیعی، همراه با ابهام در جایگاه دولت در این بخش و همچنین فقدان ارتباط لازم و عدم آگاهی مدیران دولتی از ساختار اقتصادی و اجتماعی استفاده‌کنندگان اصلی از منابع طبیعی، از جمله آشفتگی‌هایی است که در این زمینه مشهود است.

در حال حاضر هفت دستگاه اجرایی و اداری به‌طور مستقیم، و چندین دستگاه به‌طور غیرمستقیم در امر نظارت و بهره‌برداری از منابع طبیعی مشارکت دارند. هدر رفتن سرمایه، سرگردانی بهره‌برداران و دامداران، ناتوانی در پیشگیری از تخریب و کندی سرعت احیاء و اصلاح مراتع، از نتایج این تعدد مراکز تصمیم‌گیری است.

نظر به این که مراتع کشور بیش از سایر منابع طبیعی در معرض تخریب هستند و عامل عمده تخریب نیز چرای بی‌رویه دام است، به‌طوری که بنا به اظهارنظری اگر روند فعلی برداشت علوفه از مراتع ادامه یابد، حداکثر ۱۶ سال دیگر می‌توان این کار را انجام داد و از طرف دیگر نقش انکارناپذیر و پراهمیتی که مراتع کشور در تغذیه دام‌های کشور دارند، ضرورت ایجاد می‌کند که برای حفظ مراتع و احیاء آن برنامه‌ای جامع در نظر گرفته شود و تحقق این برنامه نیازمند سازمانی کارآمد و شایسته است.

در طراحی چنین سازمانی گرچه پیروی از اصول فن مدیریت یک شرط لازم است، ولی این شرط تنها ضامن موفقیت نیست، بلکه سازمانی باید مدیریت این بخش را برعهده داشته باشد که از ویژگی‌های دیگری همچون ارتباط تنگاتنگ و حاکی از اعتماد دوجانبه و شناخت کامل از

بهره‌برداران نیز، برخوردار باشد به نحوی که بر اثر این ارتباط و اعتماد و شناخت بتواند بهره‌برداران را از طریق مشارکت و آشتی با منابع طبیعی، تشویق کند که خود عهده‌دار حفظ و احیاء مراتع شوند به نظر می‌رسد جهاد سازندگی تجربه موفق در امر مشارکت دادن روستاییان در امور مربوط به خود دارد و می‌تواند با این کار، ضمن حفاظت از تعادل اکولوژیک مراتع، بهره‌برداری از آن‌ها را به صورتی عقلایی درآورد.

○ تغییراتی که قرار است در چگونگی مدیریت بینان‌های کشاورزی بین واحدهای مختلف دولتی به وجود آید، اگر با بررسی دقیق مسئله آینده دامپروری کشور و مشخص کردن جایگاه آن در اقتصاد کشور همراه نباشد، نمی‌تواند از کارایی لازم برخوردار باشد. زیرا زیر بخش دامپروری و مسایل موجود دامداران و زنه سنگینی - چه در بخش کشاورزی و چه در کل اقتصاد - به شمار می‌رود. در زیر سعی شده است تا به طور خلاصه برخی از مهم‌ترین مسایل

مربوط به این مسئله یادآوری شود:

- نیاز روزافزون به محصولات تولیدی دامپروری و دامداری با توجه به افزایش جمعیت، از مسایل شایان توجهی است که غفلت از آن می‌تواند معضلاتی در حیات اقتصادی اجتماعی کشور به بار آورد. جدول زیر می‌تواند نشان‌دهنده این امر باشد.

همان‌طور که از جدول برمی‌آید، نسبت وابستگی کشور در تأمین گوشت قرمز (با توجه به روند مصرف کنونی که بسیار پائین‌تر از استانداردهای لازم است تا ۳۰ درصد کم‌تر از استاندارد) سال به سال افزایش یافته است و طبق محاسبات انجام شده با همین روند مصرف و تولید سال ۱۳۷۸ تولید داخلی تنها جوابگوی ۶۲ درصد از مصرف کشور است نگاهی به سایر واردات تولیدات دامی جهت توجه دادن بیش‌تر شاید خالی از فایده نباشد.

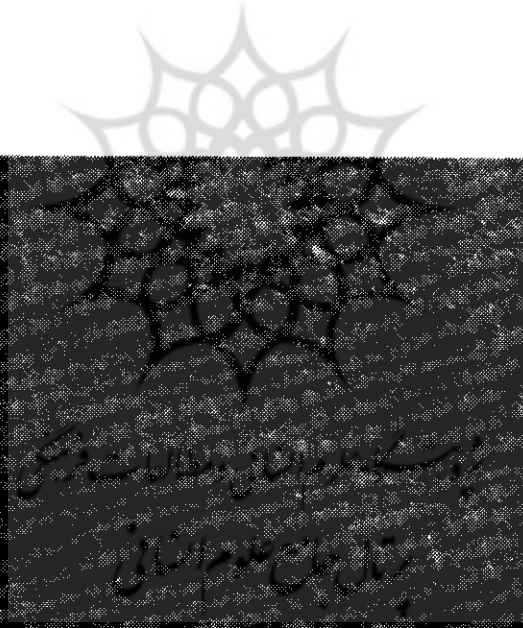
طبق آمار موجود در سال ۱۳۶۵، ۷/۵ هزار تن شیرخشک به ارزش ۷/۴ میلیون دلار وارد کشور

شده است. در سال ۱۳۶۳، ۱۱۸ هزار تن پنیر ۵۶ هزار تن کره به ارزش ۲۴۳ میلیون دلار از طریق واردات تأمین شده است. با توجه به محدودیت‌های ارزی که کشورهایی نظیر ما درگیر آن هستند، لزوم توجه عمیق‌تر به بخش دامپروری به منظور افزایش تولید داخلی، ضرورتی تام دارد. ۲/۹ از کل جمعیت ایران در سال ۱۳۶۳ را

عشایر کشور تشکیل داده‌اند که حیات اقتصادی آنان در وابستگی کامل به دام و مرتع است و این خود جلوه دیگری از اهمیت بخش دامپروری به شمار می‌رود.

جز موارد ذکر شده، دامپروری در بسیاری از فعالیت‌های جنبی دیگر مشارکت مستقیم یا غیرمستقیم دارد که توجه به موارد فوق ما را ملزم می‌سازد تا در طراحی جدید برای مدیریت این بخش، نهایت وقت را داشته باشیم.

بعد از ذکر موارد مذکور، اینک فهرست‌وار به شرح مسایلی می‌پردازیم که لزوم پیوستگی



مدیریت دام و منابع طبیعی را امری ضروری می‌سازد:

● هر نوع تغییری که بخواهد در مدیریت دامداری و منابع طبیعی صورت پذیرد، ناگزیر از آن است که ۳ رکن اساسی منابع طبیعی، دام و دامداران را که از ارتباطی تنگاتنگ و پویا بین خود و سایر مسایل اقتصادی کشور برخوردار هستند، مورد توجه اکید قرار دهد.

### ۱- ترکیب جمعیت دام کشور.

الف- براساس آمارهای موجود، ۶۳ درصد جمعیت دام کشور را گوسفند و بز (دام سبک) تشکیل می‌دهد که پرورش این نوع دام‌ها در سیستم بسته به دلیل هزینه‌های سنگین نگهداری متمرکز غیراقتصادی است. از سوی دیگر، تغییر ترکیب دام در کشور، با توجه به مشکلات اجتماعی و فنی (زاد و ولد) در میان مدت امکان‌پذیر نیست و آمار و ارقام جدول زیر مبین این واقعیت است. همانطور که ارقام جدول نشان می‌دهد، دام‌های سبک که ۶۳ درصد کل دامها را تشکیل

● مقایسه تولیدات زیر بخش زراعت در تأمین علوفه مورد نیاز دام و طیور کشور و مقدار مورد نیاز برای تغذیه دام نشان می‌دهد که فقط ۱۷ درصد نیاز دام کشور به علوفه به وسیله زیربخش تهیه می‌شود.

می‌دهند، از نظر تغذیه شدیداً به منابع طبیعی (بخصوص مرتع) وابسته‌اند و همچنین درصدی از دام‌های سنگین نیز از این نظر به مراتب وابسته هستند. با توجه به اینکه تغییر در جمعیت دام‌ها و همچنین شیوه تغذیه آنان در کوتاه‌مدت میسر

نیست و از سوی دیگر، این تفکر که می‌توان با واردات گاوهای خارجی و یا افزایش تعداد گاوهای بومی و آمیخته این ترکیب را بهم زد به دلیل محدودیت‌های ارزی و غذایی نمی‌تواند در سطح وسیعی عملی شود، به نظر می‌رسد آن سازمان یا نهاد دولتی که عهده‌دار مدیریت منابع طبیعی کشور است می‌بایست مدیریت دام کشور را نیز در اختیار داشته باشد تا از تلفیق این دو مدیریت، انتظار کارایی بیش‌تر چه در زمینه حفظ و احیاء منابع طبیعی و چه از جنبه پیشبرد و امر دامداری- را داشته باشیم.

ب- فعالیت دامداری را از نقطه نظر شیوه بهره‌برداری تولیدی در ایران می‌توان در دو بخش کلی «سنتی» و «دامداری صنعتی» تقسیم‌بندی کرد: اول بخش دامداری سنتی است که محدوده فعالیت آن در مناطق روستایی است و با ۳ روش مختلف ثابت، نیمه‌ثابت و متحرک اداره می‌شود.

غیر از دامداری به شیوه ثابت که در این شیوه بخشی از تغذیه دام از منابعی غیر از مراتع تأمین می‌شود، دامدارانی که به شیوه متحرک و نیمه‌ثابت به کار دامداری می‌پردازند، جهت تأمین علوفه دام خود وابستگی کامل به مراتع طبیعی دارند. دسته اخیرالذکر از جنبه تعداد دام و حجم تولید، از جایگاه ویژه‌ای در فعالیت دامداری کشور برخوردار است. از سوی دیگر، شرایط خاص اقلیمی، اجتماعی و اقتصادی ایران که دارای مناطق مستعد و کوهستان‌های وسیع و دامنه‌های پرگل و گیاه است، و وجود محدودیت منابع آب در کشور ایجاب می‌کند که شرایط ویژه‌ای را جهت بهره‌برداری از منابع طبیعی موجود- که به نگهداشت دامداران روستایی و عشایری بینجامد- ایجاد کنیم. البته ایجاد نوعی سیستم دامداری تلفیقی با تکیه بر منابع طبیعی تجدید شونده، از پیش شرطهای اصلی این کار به شمار می‌رود و این ایده زمانی به تحقق خواهد پیوست که مدیریتی یگانه بر امور دام و منابع طبیعی کشور حاکم شود.

جدول شماره ۱- روند مصرف، تولید، واردات و نسبت وابستگی در زمینه گوشت قرمز (۱۳۶۶-۱۳۵۳) (واحد: هزار تن)

سال	۱۳۵۳	۱۳۵۵	۱۳۵۷	۱۳۵۹	۱۳۶۱	۱۳۶۲	۱۳۶۵	۱۳۶۶
مصرف کشور	۳۶۱	۴۱۹	۵۰۱	۵۲۶	۶۵۹	۶۷۱	۶۶۱	۶۶۹
تولید داخلی	۳۳۶	۳۵۹	۴۲۷	۴۳۱	۴۴۵	۴۷۰	۵۰۰	۵۰۰
واردات	۲۴	۶۰	۷۴	۹۴	۲۱۴	۲۰۱	۱۶۱	۱۶۹
نسبت وابستگی (درصد)	۶/۶	۱۴/۳	۱۴/۸	۱۷/۵	۳۲/۵	۳۰	۲۴/۴	۲۵/۳

مأخذ: وزارت برنامه و بودجه (به نقل از مجله جهاد شماره ۱۲۴، و دی ۱۳۶۸، ص ۴۸).

جدول شماره ۲- تعداد و انواع دام موجود درصد وابستگی غذایی به منابع طبیعی

نوع دام	جمعیت دام	درصد به کل	درصد وابستگی	میزان تولید	میزان تولید
دام گوسفند و بزه سبک	۴۵۰۰۰	۶۰		۴۷/۱	۳۴۳
بز و بزغاله	۲۳۵۰۰			۱۷	۸۸
گاو بومی	۶۲۰۰			۲۶/۲	۱۳۵
گاو آمیخته	۵۰۰	۳۰	۱۵	۳/۳	۱۷
گاو اصیل	۳۰۰			۲/۹	۱۵
گاو میش	۳۸۰		۵۰	۲/۷	۱۴
شتر	۱۴۰		۸۵	۸	۴
دامهای غیراقتصادی	۷	۴۰		-	-
جمع کل	۷	۱۰۰		۳۴۰۰	۵۱۵

● آنچه از آمار و ارقام برمی آید این است که در مقطع پایان برنامه اول (۱۳۷۲) اگر تمامی تدابیر اندیشیده شده در برنامه برای بخش کشاورزی بالاخص در مورد فرآورده های جنبی زراعی- بی هیچ کم و کاستی به نتیجه برسد، باز هم در این سال ۳۵ درصد از تغذیه دام کشور باید به وسیله مراتع انجام شود.

● به نظر می رسد که امرا اصلاح و حفاظت از مراتع اگر با مشارکت دامداران انجام پذیرد، مزیت هایی از قبیل استفاده از تجربه و مهارت دامداران در امر مرتع داری و نوعی آموزش دهی به دامداران جهت حفاظت از مراتع را به دنبال خواهد داشت.

## ۲- محدودیت بخش زراعت در تأمین علوفه مورد نیاز سیسم دامپروری متمرکز

بر اساس سرشماری عمومی کشاورزی ۱۳۶۷ (نتایج ۲/۵ درصد خانوارهای بهره بردار کشاورز) سطح کلی اراضی کشور ۱۶/۹ میلیون هکتار برآورد شده است که از این میزان ۵/۴ میلیون هکتار یعنی معادل ۳۲ درصد به صورت آیش بوده، از ۱۱/۵ میلیون هکتار اراضی باقی مانده، ۵/۶ میلیون هکتار آن به کشت آبی و ۵/۹ میلیون هکتار دیگر به کشت دیم اختصاص داده شده است که از این مقدار اراضی ۶۰ درصد آن به صورت دیم و بقیه به صورت آبی بهره برداری می شود.

کل تولید علوفه از سطح مزبور بر اساس T.D.N (مجموع مواد مغذی و قابل هضم) عبارت است از ۲۴۲۳۰۰۰ تن توسط یونجه، شبدر و اسپرس و ۲۰۴۵۰۰۰ تن از دانه های علوفه ای (جو، ذرت و سورگوم) که جمع کل علوفه تولیدی بر اساس T.D.N معادل ۴۴۶۸۰۰۰ تن است. در حال حاضر نیاز دام های کشور بر اساس T.D.N به شرح زیر است:

میزان مورد نیاز دام های سبک، سنگین و طیور به ترتیب برابر است با ۱۴۹۵۶۰۰۰، ۹۳۰۲۲۰۰ و ۱۵۶۰۰۰۰ تن، با احتساب ۱۵۰۰۰۰۰ تن ضایعات گیاهان علوفه ای از مرحله تولید تا زمان مصرف.

از مقایسه تولیدات زیر بخش زراعت و مقدار مورد نیاز مشاهده می شود که فقط ۱۷ درصد نیاز دام های کشور از زیر بخش زراعت برآورده می شود. لازم به تذکر است که زیر بخش زراعت حتی از تأمین غذای طیور نیز ناتوان بوده، در حال

حاضر به میزان قابل ملاحظه ای (حدود ۹۰ درصد) از عناصر غذایی طیور کشور از طریق واردات تأمین می شود. از سوی دیگر، عدم تعادل در تولید و نیاز کشور به اقلام استراتژیکی همچون گندم و برنج و سایر محصولات از این قبیل و لزوم خودکفایی در تأمین اقلام فوق به وسیله تولید داخلی به طور قطع افزایش سطح زیر کشت اراضی مزروعی در آینده به سمتی سوق داده خواهد شد که نیاز ما را به واردات این گونه اقلام به کمترین سطح برساند. بنابراین، نمی توان انتظار داشت که (حداقل در میان مدت) ظرفیت تولید گیاهان علوفه ای در زیر بخش زراعت (با توجه به محدودیت آب) از حد کنونی تجاوز چشمگیری داشته باشد.

توجه به نکات یادآوری شده است که پرداختن به مراتع و افزایش دادن ظرفیت بهره برداری و بهره وری آنها را ضرورتی اجتناب ناپذیر می سازد. گام نهادن در این وادی ما را ملزم می سازد که در اولین اقدام، سد محکمی را که موجبات کاهش بهره وری از مراتع را پدید آورده است، از میان برداریم. این مانع عمده به نظر کارشناسان، چرای بی رویه و سازمان نیافته دام های کشور از مراتع موجود است و به نظر می رسد بیوستگی مدیریت منابع طبیعی و دام برای جلوگیری از این موضوع امری ضروری باشد.

## ۳- وابستگی دام کشور به لحاظ تغذیه به استعداد منابع طبیعی (مراتع) ایران

در بند گذشته با آمار و ارقام نشان داده شد که زیر بخش زراعت در بهترین شکل کنونی خود قادر به تولید تنها ۱۷ درصد از علوفه مورد نیاز

دام های کشور است.

اگر سهمی را که از طریق پس چرای مزارع و ضایعات کارخانجات صنایع غذایی در تأمین تغذیه دام های کشور کنار بگذاریم، کمبود موجود در تأمین علوفه مورد نیاز دام های کشور را منابع طبیعی (مراتع) برعهده دارند که رقم بالایی است. برای بررسی جامع تغذیه دام کشور ضرورت تحلیل گذشته، حال و پیش بینی آینده امری است که با استناد به اطلاعات ارائه شده در برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران سعی شده است این مهم به انجام برسد. وضعیت تغذیه دام و طیور کشور در جداول ۳ الی ۹ آورده شده است.

آنچه از جداول استنباط می شود، عبارتند از:

الف- از جداول شماره ۳ و ۴ برمی آید که با توجه به اینکه به میزان T.D.N مورد نیاز جمعیت دامی برای گوسفند ۲۳۰ کیلو، بز ۱۹۶ کیلو، گاو بومی ۸۵۸ کیلو، گاو اصیل ۲۰۵۸ کیلو، گاو دو رگ ۱۲۸۶ کیلو، گاو میش ۱۴۱۵ کیلو، تک سمی ها ۷۶۰ کیلو برای هر رأس و شتر ۱۴۰۰ کیلو برای هر نفر در سال برآورد شده است، ظرفیت تغذیه دام با توجه به منابع موجود داخلی و جمع نیاز در مقطع مذکور ۶۸ درصد بوده است.

ب- جداول ۵ و ۶ نشان دهنده آن هستند که کسری جمعا ۵۷۱۳/۸ هزارتن T.D.N بوده است که درصدی از آن به وسیله برداشت غیرمجاز از مراتع رفع شده است و درصدی نیز به صورت سوء تغذیه به دام ها منتقل شده است.

ج- توجه به ارقام موجود در جداول ۷ و ۸ بیانگر این است که با وجود افزایش حجم تولید علوفه ناشی از عملیات اصلاح مراتع به مقدار ۳/۵ میلیون تن در طی برنامه اول توسعه، در تغذیه دام کشور در پایان برنامه کمبودی معادل ۳ میلیون تن مشاهده می شود.

د- از جدول شماره ۹ مستفاد می شود که در مقطع پایان برنامه، اگر تمامی تدابیر اندیشیده شده در برنامه برای بخش کشاورزی- بالاخص در مورد فرآورده های جنبی زراعی- بی هیچ کم و کاستی به نتیجه برسد، باز هم در سال ۱۳۷۲، ۳۵ درصد از تغذیه دام کشور باید به وسیله مراتع انجام شود.

از سوی دیگر، با وجود روند تخریبی حاکم بر مراتع ایران و عدم اقدامی مؤثر و اساسی در امر اصلاح مراتع، ظرفیت مجاز بهره برداری از آنها ۱۰/۰۰۰/۰۰۰ تن علوفه خشک است که می تواند تغذیه ۴۰ میلیون واحد دامی را پذیرا، باشد و بر اساس اصلاحات داده شده در برنامه اول توسعه با اجرای فعالیت های مرتع داری،

جدول شماره ۳- نیازهای غذایی دام در سال ۱۳۵۲

نوع دام	جمعیت (هزار رأس)	مورد نیاز
گوسفند و بره	۳۰۰۰۰	۶۹۰۰
بز و بزغاله	۱۷۰۰۰	۳۳۳۲
گاو گوساله بومی	۵۳۰۰	۴۵۴۷
گاو و گوساله دورگ	۶۰	۱۲۳۴
گاو و گوساله اصیل	۲۲۰	۳۳۱
گاو میش	۲۵۶۰	۱۹۵۴
تک سمی ها	۱۷۰	۲۳۸
شتر		۱۸۵۱۶
جمع		

جدول شماره ۴ منابع غذایی دام موجود سال ۱۳۵۲

دسته بندی منابع تغذیه	ظرفیت تولید علوفه خشك	میلیون تن	درصد
علوفه مراتع	۶/۳	۵۲/۹	
نیانات علوفه ای	۰/۸۸	۷/۳	
مازاد محصولات زراعی و پیش چر	۳/۲	۲۶/۷	
سایر منابع غذایی و واردات	۰/۷	۵/۹	
جمع	-	۱۱۹۴۰	
ظرفیت تغلیف دام	%۶۸	۱۰۰	

مأخذ- آمار جمعیت دام از نشریه نتایج آمارگیری کشاورزی سال ۱۳۵۲ مرکز آمار ایران

جدول شماره ۵- نیازهای غذایی دام در سال ۱۳۶۶

نوع دام	جمعیت (هزار رأس)	مورد نیاز تن
گوسفند و بره	۴۵۰۰۰	۱۰۳۵۰
بز و بزغاله	۲۳۵۰۰	۴۶۰۶
گاو و گوساله بومی	۶۲۰۰	۵۳۱۹/۶
گاو و گوساله دورگ	۵۰۰	۶۴۲
گاو و گوساله اصیل	۳۵۰	۷۲۰/۳
گاو میش	۳۸۰	۵۳۷/۳
تک سمی ها	۲۵۰۰	۱۹۰۰
شتر	۱۳۰	۱۸۲
جمع نیاز توری		۲۴۲۵۸/۶
جمع عملیاتی		۲۵۷۱۳/۸
جمعیت دامی		

جدول شماره ۶- منابع غذایی دام در سال ۱۳۶۶

دسته بندی منابع علوفه ای	ظرفیت تولید علوفه خشك (هزار تن)	قابل بهره برداری (هزار تن)	بهره برداری شده (هزار تن)	درصد
علوفه مراتع	۱۰۰۰۰	۵۵۰۰	۱۱۲۱۳	۴۳/۶
نیانات علوفه ای	۴۷۱۵/۵	۲۴۲۳	۲۴۲۳	۹/۴۲
دانه ها (جو، ذرت، سورگم)	۲۸۳۵	۲۰۴۵	۲۰۴۵	۷/۹۶
انواع کاه، غلات، حیوانات، نیشکر	۲۲۵۱۲	۹۰۴۴		
سبوس و ضایعات غلات، حیوانات	۱۰۷۰	۷۳۰/۵		
تفاله چغندر قند، ملاس	۵۷۷/۵	۵۳۸		
پس چر اراضی و علوفه آیش	۱۸۲۰	۸۷۱		
ضایعات سبزی و میوه	۴۲۲	۲۱۱		
انواع کنجاله ها	۱۵۶	۱۱۰		
ضایعات کشتاری دام، طیور و ماهی	۳۵	۱۸/۵		
جمع کل منابع		۲۵۷۱۳	۱۰۰	
جمع قابل دسترسی			۲۰۰۰۰	

مأخذ- برنامه پنجساله- بخش بررسیهای تغذیه دام و طیور صفحات ۸ و ۹

دسته‌بندی منابع علوفه‌ای	ظرفیت تولید علوفه خشک (هزار تن)	قابل بهره‌برداری (هزار تن)	بهره‌برداری شده (هزار تن)	درصد
علوفه مراتع	۱۳۵۰۰	۷۴۲۵	۹۵۷۲/۸	۳۴/۶۲
نباتات علوفه‌ای	۹۸۱۲	۳۵۲۴	۳۵۲۴	۱۲/۷۴
دانه‌ها (جو، ذرت، سورگم)	۴۳۰۷	۳۱۱۳	۲۱۱۳	۷/۶۴
انواع کاه غلات و حبوبات	۲۴۳۴۶	۱۰۵۶۳		
نیستکر		۸۵۶		
سیوس و ضایعات غلات حبوبات	۱۲۵۴			
تفاله چغندرقد، ملاس	۱۷۳۳	۹۲۴		
پس‌چر اراضی و علوفه آیش	۲۰۷۲	۹۸۹	۱۲۴۴۵/۲	۴۵
ضایعات سبزی و میوه	۵۷۷	۲۲۸		
انواع کنجاله‌ها	۳۰۳	۲۱۲		
ضایعات کشتاری دام و طیور و ماهی	۱۰۱/۵	۵۶		
جمع منابع	۲۷۶۵۵	۲۷۶۵۵		
ارزش تغذیه‌ای	۲۶۰۲۵			
ارزش قابل دسترسی	۱۰۰			

ماخذ- پیش‌بینی‌های برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی برای سال ۱۳۷۳ صفحه ۲۰

نوع دام	جمعیت (هزار رأس)	مورد نیاز تن
گوسفند و بره	۴۵۰۰۰	۱۰۸۰۰
بز و بزغاله	۲۳۵۰۰	۴۷۹۴
گاو و گوساله بومی	۶۰۰۰	۵۷۷۸
گاو و گوساله دورگ	۷۵۰	۹۵۵
گاو و گوساله اصیل	۲۳۴/۵۶	۸۹۴/۳۳
گاوینس	۴۹۱	۷۶۴
تک‌سمی‌ها	۲۵۰۰	۱۹۴۰۰
شتر	۱۴۰	۲۰۴/۴
جمع نیاز تئوری		۲۶۰۸۹/۷
جمع نیاز عملی		۲۷۶۵۵

برخوردار است و غالباً در دل کوه پایه‌های و دشت‌ها واقع شده است و با توجه به اینکه سیستم دامداری غالب در وضعیت کنونی به گونه‌ای است که بخش بهره‌برداری از سطح مراتع کشور در پوشش عرصه حضور دام و دامداران قرار گرفته است، به نظر می‌رسد که امر اصلاح و حفاظت از مراتع اگر با مشارکت دامداران انجام پذیرد، مزیت‌های گوناگونی خواهد داشت که در زیر به برخی از مهم‌ترین آنان اشاره می‌کنیم:

- هم‌اکنون بهره‌برداری از ۱/۳ از مراتع کشور (متعلق به سیستم عشایری) با حضور مستقیم دام و دامداران انجام می‌گیرد و این مسئله می‌تواند در انگیزش آنان برای اصلاح مراتع مؤثر واقع شود. به علاوه اینکه حضور مستمر و فعال آنان در زمینه بهره‌برداری از مراتع، آنان را صاحب تجربه و مهارت گردانده است و به‌کارگیری آنان در اصلاح و مرمت مراتع می‌تواند به‌واسطه همین مهارت هزینه‌های اصلاح و مرمت را کاهش دهد. لازم به تذکر است که وضعیت فوق در مورد ۱/۳ مراتع باقی مانده که عمدتاً عرصه فعالیت‌های دامداران روستایی است نیز جاری می‌باشد.

- از اقدامات اساسی و اولیه اصلاح مراتع در شرایط کنونی، جلوگیری از چرای خارج از ظرفیت دام موجود بر مراتع است. این اقدام مسلماً با کاهش تعداد دام‌هایی که از مراتع تغذیه می‌کنند، همراه خواهد بود و عمل به آن به کاهش درآمد دامداران منجر خواهد شد، اما به‌کارگیری

جدول شماره (۹) سهم منابع تأمین‌کننده تغذیه دام کشور

دسته‌بندی منابع	مقطع ۱۳۵۰	مقطع پایه برنامه اول مقطع پایان برنامه اول
علوفه مراتع	۵۲/۹	۴۳/۶
نباتات علوفه‌ای	۱۴/۵	۱۷/۳۸
فرآورده‌های جنبی زراعی	۳۲/۶	۳۹/۰۲
		۴۵

نگه‌داشت وضع موجود و دسترسی به خواست برنامه اول و به فعل درآوردن بالقوه‌گی عظیم موجود در منابع طبیعی، قابل اجرا و ضروری باشد.

#### ۴- مسئله اصلاح و حفاظت از منابع طبیعی

با نظر به چگونگی توزیع جغرافیایی مراتع در ایران که از گستردگی و پراکندگی زیادی

ظرفیت مراتع طی برنامه به ۱۳/۵ میلیون تن خواهد رسید و گزارش‌های موجود در برنامه اول و برنامه الزام حاکمی از آن است که در صورت رفع مشکلات قانونی مراتع و اعمال مدیریت کارا بر روی آنها این ظرفیت می‌تواند حداقل به ۳۳ میلیون تن بالغ شود که در این صورت، این حجم از تولید علوفه قادر خواهد بود ۷۱ میلیون واحد دامی را به‌خوبی تغذیه کند.

با توجه به مطالب فوق به نظر می‌رسد که طرح «پیوستگی مدیریت منابع طبیعی و دام» برای

تعدادی از دامداران در امر اصلاح مراتع می‌تواند جبران‌کننده عدم تعادل احتمالی حاصل از این کار باشد.

- حضور بالاتر از ۷۰ درصد جمعیت دام کشور در سطح مراتع در برنامه‌های اصلاح مراتع می‌تواند نقشی اصولی ایفا کند، زیرا مشارکت دادن دامداران در اصلاح و مرمت مراتع، علاوه بر مزایای پیش گفته شده، در نهایت می‌تواند نوعی آموزشدهی به آنان جهت حفاظت از مراتع با برقرار کردن ظرفیت متناسب دام و مرتع باشد. در غیراین صورت، عدم امکان برقراری پوشش حفاظتی جهت حفظ، احیاء و اصلاح مراتع به دلیل گستردگی خاصی که مراتع در سرزمینی پهناور ایران دارند، امری است مسلم و تجربیات گذشته که مبتنی بر اعمال قرق بدون حضور دام و دامداران بوده است، شاهدهی است بر این مدعا.

- مسئله فنی و مهم دیگری که وجود دارد این است که هر دگرگونی که در صدد اصلاح مراتع از طریق تغییر در نوع گیاهان باشد، مستلزم این است که تغییرات هماهنگی در نوع دام‌ها داده شود و بالعکس، دگرگونی در توزیع نوع دام و توسعه فعالیت‌های اصلاح نژاد، باید با اصلاح

انواع مراتع به‌طور هماهنگ انجام شود. موارد یاد شده در بالا می‌رسانند که شیوه عقلایی و اقتصادی در تقسیم بنیان‌های کشاورزی این است که «پیوستگی مدیریت دام و منابع طبیعی» را امری ضروری دانسته، از پراکندگی و اعمال مدیریت دوگانه بر این زیربخش‌ها پرهیز کرد.

## ۵- اقتصادی‌تر بودن تولیدات دامی در سیستم تلفیقی دامپروری مرتعداری

فراورده‌های دامی- چه آنان که بدون واسطه از دام تهیه می‌شوند مانند شیر، پنیر و گوشت و چه کالاهای واسطه‌ای که منشأ آنان دام است. مانند کفش و... در سبد کالاهای مصرفی خانوارها از درجه اهمیت بالایی برخوردار هستند و نوسان در قیمت آنها در افزایش و یا کاهش قیمت سایر کالاها به‌نحو بارزی تأثیر می‌گذارند. اگر این معادله ساده را که قیمت فراورده‌های دامی تابعی است از هزینه‌های تولید مربوط به پرورش دام، بپذیریم، با در نظر گرفتن اینکه هزینه‌های تولید فراورده‌های دامی از طریق تلفیق دامداری و

مراتع به‌علت پایین بودن قیمت تغذیه دام- که ۷۰ درصد هزینه تولید در پرورش دام را شامل می‌شود- نهایتاً باید بپذیریم که نسبت به سایر شقوق دامداری، شق فوق‌الذکر اقتصادی‌تر است.

## ۶- وابستگی صنعت پشم و قالی و پوست و... به سیستم دامپروری توأم با منابع طبیعی

وابستگی صنایعی مانند صنعت پوست، صنعت سالامبور، صنعت قالی و صنایع چینی آن مانند صنعت پشم جهت تهیه مواد اولیه مورد نیاز خود به سیستم دامپروری توأم با منابع طبیعی، با توجه به حجم اشتغال‌زایی کنونی این صنایع (مخصوصاً صنعت قالی) مسئله‌ای است که باید مورد توجه قرار گیرد. از آنجایی که دام سبک تأمین‌کننده اصلی مواد اولیه مورد نیاز صنایع فوق‌الذکر است، توسعه تولید این نوع دام امری ضروری خواهد بود.

دلایل برشمرده در خلال بحث حاکی از آن است که تولید بهینه دام در گرو تلفیق دامداری با منابع طبیعی و اعمال مدیریتی یگانه بر آن است.

